

The Effect of Creative Thinking Instruction on the General Decision-Making Styles of Early Childhood Education Students at Borūjerd Girls' National Skills College

Mahdi Bagheri¹, Mobina Bagheri², Fatemeh Sadat Sadeq Al-Vaed³

¹ PhD., Technical and Vocational University, Tehran, Iran (**Corresponding author**).

bagheri.mahdi.1356@gmail.com

² Bachelor, Faculty of Management and Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran.

mobinabagheri1330@gmail.com

³ Master's degree, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Fssadeghi2024@gmail.com

Abstract

The present study aimed to examine the effect of creative thinking instruction on the general decision-making styles of early childhood education students at Borūjerd Girls' National Skills College. To this end, employing a semi-experimental design with pre-test and post-test measures, experimental and control groups, and random assignment, data were collected using the Scott and Bruce General Decision-Making Styles Questionnaire (1955). The statistical population included all early childhood education students at Borūjerd Girls' National Skills College during the first semester of the 1402-1403 academic year. The sample consisted of 12 individuals in the experimental group and 12 individuals in the control group, selected via simple random sampling. The creative thinking instruction intervention—delivered through the book *Teaching Thinking* to the experimental group—was implemented over a period of 12 weeks, totaling 12 instructional hours. In the post-test phase, both groups were re-evaluated. Data analysis was conducted using analysis of covariance. The findings revealed that creative thinking instruction significantly influenced rational decision-making styles; it also significantly affected spontaneous decision-making styles and intuitive decision-making styles. However, creative thinking instruction did not significantly influence dependent decision-making styles nor avoidant decision-making styles. Overall, creative thinking instruction proved effective in modifying students' general decision-making styles. In other words, there were statistically significant differences between the pre-test and post-test scores of general decision-making styles in both groups. Therefore, the null hypothesis is rejected, and the research hypothesis—namely, that creative thinking instruction impacts the general decision-making styles of early childhood education students—is accepted. Based on these findings, the utility of creative thinking instruction on rational, spontaneous, and intuitive decision-making styles is evident, and it is recommended that universities provide appropriate environments for students to engage in creative thinking instructional methods throughout their studies.

Keywords: Instruction; Creative Thinking; General Decision-Making Styles; Early Childhood Education Students; Borūjerd Girls' National Skills College.

تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری دانشجویان دانشکده ملی مهارت دختران بروجرد

مهدی باقری^۱، مبینا باقری^۲، فاطمه سادات صادق الوعد^۳

^۱ دکتری، مدیریت آموزشی، دانشگاه ملی مهارت (فنی و حرفه‌ای)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، bagheri.mahdi.1356@gmail.com

^۲ کارشناسی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mobinabagheri1330@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Fssadeghi2024@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری دانشجویان تربیت کودک دانشکده ملی مهارت دختران بروجرد بود. بدین منظور با بهره‌گیری از روش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل و انتساب تصادفی، اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری اسکات و بروس (۱۹۵۵) جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان تربیت کودک دانشکده ملی مهارت دختران بروجرد در ترم اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. نمونه پژوهش شامل ۱۲ نفر برای گروه آزمایش و ۱۲ نفر برای گروه کنترل به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. مداخله آموزش تفکر خلاق به‌وسیله کتاب «آموزش تفکر بر روی گروه آزمایش» به مدت ۱۲ هفته و به مدت ۱۲ ساعت اجرا شد. در پس‌آزمون، هر دو گروه دوباره ارزیابی شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی، آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری آنی و آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی مؤثر بوده است. ولی آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری وابستگی و نیز بر سبک‌های تصمیم‌گیری اجتنابی مؤثر نبوده است. در مجموع، آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری دانشجویان مؤثر بوده است. به عبارت دیگر، بین نمرات سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در دو گروه پس‌آزمون و پیش‌آزمون، تفاوت معنی‌داری وجود دارند. بنابراین، فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری عمومی دانشجویان تربیت کودک پذیرفته می‌شود. باتوجه‌به یافته‌های این پژوهش، سودمندی آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی، آنی و شهودی مشخص شده و لازم است دانشگاه‌ها برای استفاده از شیوه‌های آموزش تفکر خلاق، بستر مناسب را برای دانشجویان در طول تحصیلشان فراهم کنند.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تفکر خلاق، سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری، دانشجویان تربیت کودک، دانشکده ملی مهارت دختران بروجرد.

۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان، تفکر است. تفکر، شکل بسیار پیچیده رفتار انسان و عالی‌ترین شکل فعالیت عقلی و ذهنی است (مکتبی‌فرد، ۱۳۸۸). تفکر را به دسته‌بندی‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تقسیم‌بندی دکتر سیف اشاره نمود که تفکر را به سه دسته تفکر منطقی، تفکر انتقادی و تفکر خلاق تقسیم کرده و در این میان تفکر خلاق از ممتازترین و پیچیده‌ترین توانایی‌های بشر به‌شمار می‌رود (سیف، ۱۴۰۳). پیشرفت بشر در دنیای امروز بویژه تحولات گسترده در دو دهه آخر قرن بیستم نشان‌دهنده این است که ارکان نظام آموزشی عمیقاً دگرگون شده و تغییر جهت نظام‌های آموزشی از ارائه برنامه‌های صرفاً آموزشی به‌سوی برنامه‌های تربیت تفکر خلاق با تغییر محتوا و روش‌های آموزشی همراه بوده است (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). تفکر خلاق به آن نوع فعالیت فکری گفته می‌شود که به حل مشکلات و مسائل سخت و حل نشده می‌پردازد و برای مسائل حل نشده گذشته راه‌حل‌های جدید کشف می‌کند. اینگونه تفکر معمولاً به ابداع و اختراع منجر می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰). منظور از تفکر خلاق، نوعی از تفکر است که منجر به دیدگاه‌های جدید، رویکردهای نوپهور، دورنماهایی تازه و راه‌های جدیدی برای فهم و درک اشیاء و موقعیت‌ها می‌شود (فاسیونی^۱، ۲۰۰۶). تفکر خلاق به طور عمیق با یک مسئله درگیر شده و به تجسم و واضح‌سازی آن می‌پردازد و به منظور تنظیم کردن نتیجه تفکر یا دریافت مفاهیم جدید، مبادرت به جرح و تعدیل آن می‌کند. فراگرد خلاقیت مبتنی بر به‌کارگیری واقعیات است و از طریق حذف یا ترکیب واقعیات‌های موجود، به مطرح شدن فکرهای جدید کمک می‌کند (سیدجوادین، ۱۴۰۳).

بنابراین، تفکر خلاق، مستلزم گشودن ذهن در برابر راه‌حل‌های تازه و روش‌های جدید انجام کارها است (بولدن^۲، ۱۳۸۵، ص ۹). همچنین خلاقیت شبیه یک پدیده مهم چندوجهی دیده شده است که می‌تواند برای همه دانشجویان در مناطق مختلف و برای سطوح گوناگون توسعه داده شود (ودعانی^۳، ۲۰۱۵). متأسفانه، علی‌رغم اینکه تحقیقات نشان داده که ظهور خلاقیت، مستلزم پرورش و شکوفایی است (سادات میر، ۱۳۸۹)، لذا، اهمیت و ضرورت فراگیر خلاقیت، توسط مسئولین نظام آموزشی و متخصصین تعلیم و تربیت به‌ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد. در صورتی که نظام آموزش عالی به‌عنوان نهادی که به طور مستقیم و غیرمستقیم نقش مهمی در بهبود شرایط زندگی مادی و

1. Facioni

2. Bolden

3. Wadaani

معنوی افراد جامعه دارد و موجب پیشرفت کشور می‌شود، می‌تواند با تغییر در محتوا و روش‌های آموزشی، به‌سوی آموزش تفکر خلاق در دانشجویان، گام بردارد و از آنجایی که طبق آمار رسمی سازمان سنجش، بیش از نیمی از دانشجویان را دختران تشکیل می‌دهند، لذا اهمیت و ضرورت پرداختن به آموزش تفکر خلاق در دانشجویان دختر، بیشتر به نظر می‌رسد. همچنین دانشجویان دختر که مادران آینده و تربیت‌کنندگان نسل‌های بعدی هستند و با اشتغال در سازمان‌های دولتی و غیردولتی در جامعه تأثیرگذار خواهند بود، به‌طور مداوم در مسیر زندگی خود با انواع مسائل و مراحل مواجه می‌شود که ناگزیر از تصمیم‌گیری هستند. تصمیم‌گیری به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه در رأس همه وظایف قرار دارد و بدون استثناء بر سایر وظایف تأثیر می‌گذارد. به زبان ساده، تصمیم‌گیری عبارت است از فرایند یافتن و انتخاب یک سلسله عملیات برای حل یک مشکل معین (ایران‌نژاد پاریزی و ساسان گهر، ۱۴۰۳، ص ۱۷۱).

از تصمیم‌گیری تعاریف متفاوتی شده که برخی از آنها عبارتند از:

از دیدگاه مورهد و گریفین^۱ (۱۴۰۳)، تصمیم‌گیری انتخاب یک راهکار از میان چندین راهکار است. تصمیم‌گیری به معنی فرایند جمع‌آوری داده‌ها برای ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین آنها برای حل مسئله است. تصمیم‌گیری به‌عنوان عمل دستیابی به نتیجه و ایجاد فکر و راه‌حل‌های رسیدن به نتیجه تعریف شده است.

تصمیم‌گیری هسته مرکزی برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد؛ لذا، برنامه‌ریزی بدون تصمیم‌سازی وجود نخواهد داشت (حیدری و مرزوقی، ۱۳۹۱). تصمیم‌گیری مؤثر مستلزم بهره‌گیری از توانایی‌ها، خلاقیت‌ها، مهارت‌ها، دانش و بینش مبتنی بر هوشمندی و استعدادها و ویژه است (معیری، ۱۳۹۰). اهمیت تصمیم‌گیری به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی هر فرد و هر سازمان و هر گروه کاری بر کسی پوشیده نیست. تصمیم‌گیری اساس فعالیت و اقداماتی است که در زندگی افراد و سازمان‌ها صورت می‌گیرد (پرویزی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، نقش تصمیم‌گیری در جلوگیری از بروز مسائل و حل مشکلات و انتقال راه‌حل مناسب، از عملکردهای مهم دانشجویان به‌حساب می‌آید.

دانشجویان با توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌شان و تأثیر تفاوت‌های فردی در مقایسه با موقعیت تصمیم‌گیری‌شان، تصمیمات خود را به سبک‌های گوناگونی اتخاذ می‌کنند. سبک تصمیم‌گیری یکی از فرایندهای شناختی محسوب می‌شود. سبک شناختی شیوه‌ای است که افراد داده‌ها را از جهان پیرامون خود کسب و بر مبنای آن تصمیم می‌گیرند (رضازاده، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، سبک

تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عاداتی است که آنها در هنگام تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌دهند. به طور کلی، سبک تصمیم‌گیری هر فرد تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی او در برخورد با مسائل و واکنش نسبت به آنها است (تانهم^۱، ۲۰۰۴). سبک تصمیم‌گیری فردی از منظر صاحب‌نظران مختلف به صورت‌های گوناگونی تقسیم‌بندی شده است. از جمله این صاحب‌نظران اسکات و بروس^۲ (۱۹۹۵) هستند که پنج سبک عمومی تصمیم‌گیری را که شامل تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، آنی، وابستگی و اجتنابی، معرفی کرده‌اند.

سبک تصمیم‌گیری عقلایی:^۳ این سبک بیانگر تمایل تصمیم‌گیرنده به شناسایی همه راهکارهای ممکن، ارزیابی نتایج هر راهکار از همه جنبه‌های مختلف و در نهایت انتخاب راهکار بهینه و مطلوب توسط تصمیم‌گیرنده در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری است (ناظمی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۴).

سبک تصمیم‌گیری شهودی:^۴ این سبک یک سبک غیرمنطقی و سلیقه‌ای نیست، بلکه مبتنی بر سال‌ها تجربه و عملیاتی بوده که فرد به صورت ناخودآگاه اندوخته است. تجارب زیاد موجب می‌شود که افراد دارای نوعی احساس الهامی و یا حس ششم می‌گردند و ناخودآگاه راه حل مسأله را ارائه می‌نمایند. در این سبک از تصمیم‌گیری، مستقل از تجزیه و تحلیل منطقی و معقول عمل نمی‌شود، بلکه این دو مکمل یکدیگرند. تصمیم‌گیری شهودی به دلیل بهره‌گیری از آموزش‌ها و تجربه‌های اندوخته شده و فعالیت‌های ذهنی، به سرعت انجام می‌شود و زمانی بکار می‌رود که:

(۱) پدیده عدم اطمینان، شدید است، (۲) سابقه‌ای درباره مقاله وجود نداشته باشد، (۳) زمانی که نتوان متغیرهای تصمیم را به روشنی تعریف کرد، (۴) هنگامی که واقعیت‌ها محدود باشند، (۵) هنگامی که نتوان به راحتی و وضوح متغیرها را تعریف کرد، (۶) هنگامی که تحلیل داده‌ها مفید نباشد (سیدجوادی‌ن، ۱۴۰۳).

سبک تصمیم‌گیری آنی:^۵ این سبک بیانگر شرایط اضطراری است که فرد بدون پشتوانه فکری قبلی، بلافاصله در کمترین زمان ممکن تصمیم اصلی خود را اتخاذ می‌کنند (حیدری و مرزوقی، ۱۳۹۱). البته تصمیماتی که در این سبک گرفته می‌شود، براساس داده‌ها و تجربیات قبلی تصمیم‌گیرنده است.

1. Thunholm

2. Scott & Bruce

3. Rational decision-making style

4. Intuitive decision-making style

5. Impulsive decision-making style

سبک تصمیم‌گیری وابستگی:^۱ این سبک بیانگر نبود استقلال فکری و عملی تصمیم‌گیرنده و تکیه بر حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگران در هنگام تصمیم‌گیری است (ناظمی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۴). چنین افرادی به جای اینکه در هنگام اتخاذ تصمیمات مهم، با دیگران مشورت نموده و در نهایت تصمیم خودشان را انتخاب کنند، کاملاً متکی و وابسته به دیدگاه‌های سایر افراد عمل می‌کنند.

سبک تصمیم‌گیری اجتنابی:^۲ افرادی که از سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برخوردارند، در هنگام مواجهه با مسأله، تا آنجا که امکان‌پذیر باشد، تصمیم‌گیری را به تعویق می‌اندازند و از هرگونه واکنش نسبت به مسأله طفره می‌روند؛ بنابراین، سبک تصمیم‌گیری اجتنابی را می‌توان تلاش و تمایل فرد تصمیم‌گیرنده به اجتناب از اتخاذ هرگونه تصمیم و تا حد امکان دوری از موقعیت‌های تصمیم‌گیری تعریف کرد (ناظمی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۴). به طوری که تصمیم‌گیرندگان تابع این سبک، از گرفتن تصمیم وحشت دارند و نگران عواقب تصمیمات خود هستند. سبک‌های تصمیم‌گیری و آموزش تفکر خلاق موضوعاتی هستند که به صورت جداگانه مطالعاتی روی آنها انجام شده است. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته، می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

رانکو و آکار^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر بهبود تصمیم‌گیری در موقعیت‌های پیچیده پرداختند. نتایج نشان داد که افراد با مهارت‌های تفکر خلاق بالاتر، توانایی بیشتری در شناسایی راه‌حل‌های نوآورانه و اتخاذ تصمیم‌های مؤثر دارند.

گینو و آریه‌لی^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی تأثیر تفکر خلاق بر تصمیم‌گیری اخلاقی و استراتژیک را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که تفکر خلاق نه تنها تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد، بلکه به افراد کمک می‌کند تا راه‌حل‌های اخلاقی‌تر و پایدارتری را انتخاب کنند.

استرنبرگ و کرمی^۵ (۲۰۲۱) در پژوهشی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر بهبود تصمیم‌گیری در موقعیت‌های پیچیده را بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که تفکر خلاق به افراد کمک می‌کند تا راه‌حل‌های نوآورانه‌تری را در مواجهه با چالش‌های پیچیده ارائه دهند.

امبایل و پرات^۶ (۲۰۲۰) در پژوهشی نقش تفکر خلاق در فرایند تصمیم‌گیری مدیران ارشد را بررسی کردند. نتایج نشان داد که تفکر خلاق به مدیران کمک می‌کند تا تصمیم‌های استراتژیک

1. Dependency decision-making style

2. Avoidant decision-making style

3. Runco & Acar

4. Gino & Ariely

5. Sternberg & Karami

6. Amabile & Pratt

بهتری اتخاذ کنند و از سبک‌های تصمیم‌گیری انعطاف‌پذیرتر استفاده نمایند.

رضایی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در تحقیق تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران آموزشی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که آموزش تفکر خلاق به طور معناداری سبک‌های تصمیم‌گیری تحلیلی و شهودی را بهبود می‌بخشد. این پژوهش بر اهمیت پرورش تفکر خلاق در محیط‌های آموزشی تأکید دارد.

علی‌زاده و نوری (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای، به بررسی رابطه بین تفکر خلاق و سبک‌های تصمیم‌گیری در مدیران سازمان‌های دولتی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدیرانی که از تفکر خلاق استفاده می‌کنند، تمایل بیشتری به استفاده از سبک‌های تصمیم‌گیری مشارکتی و انعطاف‌پذیر دارند.

جعفری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان دوره متوسطه را بررسی کردند. نتایج نشان داد که آموزش تفکر خلاق باعث افزایش استفاده از سبک‌های تصمیم‌گیری خلاقانه و کاهش استفاده از سبک‌های اجتنابی می‌شود.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی نشان دادند که آموزش تفکر خلاق به دانش‌آموزان دوره متوسطه، باعث بهبود سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی و منطقی در آن‌ها شده است. تفکر خلاق به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با مسائل پیچیده، راه‌حل‌های متنوعی را در نظر بگیرند و از قالب‌های ذهنی سنتی فراتر روند.

با توجه به مشخص شدن اهمیت تفکر خلاق و سبک‌های تصمیم‌گیری دانشجویان، بازنگری و ارزشیابی سرفصل‌ها، محتوی و روش‌های آموزشی نظام آموزش عالی ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری دانشجویان تربیت کودک است. فرضیه‌های پژوهش نیز به این شرح است: آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری عقلایی دانشجویان تربیت کودک تأثیر دارد؛ آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری آنی دانشجویان تربیت کودک تأثیر دارد؛ آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری شهودی دانشجویان تربیت کودک تأثیر دارد؛ آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری وابستگی دانشجویان تربیت کودک تأثیر دارد؛ آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری اجتنابی دانشجویان تربیت کودک تأثیر دارد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر در قالب یک طرح نیمه‌آزمایشی و به صورت پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه

آزمایش و کنترل انجام شد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان کاردانی رشته تربیت کودک دانشکده ملی مهارت دختران بروجرد در نیم سال اول ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۱۷۰ نفر بودند. برای نمونه آماری پژوهش ۱۲ نفر برای گروه آزمایش و ۱۲ نفر برای گروه کنترل به شیوه تصادفی ساده و به صورت جایگزینی تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. از دو گروه آزمایش و کنترل، پیش آزمون گرفته شد. در ادامه، عمل مداخله آموزش تفکر خلاق روی گروه آزمایش انجام شد. مداخله این پژوهش به مدت ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، هر هفته یک جلسه در دستور کار قرار گرفت. اما گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. بعد از اتمام مداخلات، از هر گروه پس آزمون به عمل آمد، تا تأثیر متغیر مستقل آموزش تفکر خلاق بر متغیر وابسته سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری مشخص شود. در این پژوهش برای سنجش نمره سبک عمومی تصمیم‌گیری و ابعاد آن، از پرسش‌نامه سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۵ سوال با طیف لیکرت می‌باشد. به منظور سنجش هریک از سبک‌های تصمیم‌گیری، در این پرسش‌نامه ۵ سوال اختصاص داده شده است. دامنه نمرات در این پرسش‌نامه از ۲۵ تا ۱۲۵ است. روایی این پرسش‌نامه در خارج از کشور به وسیله اسکات و بروس (۱۹۹۵) محاسبه شده، و روایی آن را بسیار بالا گزارش کردند و در این پژوهش نیز روایی محتوایی پرسش‌نامه با نظر اساتید، مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شد. همچنین ضریب پایایی محاسبه شده به وسیله اسکات و بروس (۱۹۹۵) برای هریک از زیرمقیاس‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ، به ترتیب عبارتند از: سبک عقلایی ۰/۸۵، سبک شهودی ۰/۸۴، سبک وابستگی ۰/۸۶، سبک آنی ۰/۹۴ و سبک اجتنابی ۰/۸۷. همچنین در مطالعه حاضر، برای هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب سبک عقلایی ۰/۷۷، سبک شهودی ۰/۷۸، سبک وابستگی ۰/۷۶، سبک آنی ۰/۸۶ و سبک اجتنابی ۰/۸۳ محاسبه شد. ضریب آلفا در این مطالعه ۰/۷۴ بود.

۱-۲. شرح جلسات مداخله

در هر جلسه، ابتدا توضیحاتی در خصوص هدف همان جلسه ارائه شد. سپس تمرینات تفکر خلاق به صورت برگه‌هایی که از قبل کپی شده بودند، به هر دانشجو داده شد. در هر برگه ابتدا توضیحاتی در خصوص روش کار اشاره شده بود. در ادامه پس از بیان یک مثال و روش پاسخگویی به آن در برگه‌ها، از دانشجویان خواسته شد تا تمرینات را براساس مثالی که مطالعه کرده‌اند، انجام دهند و چون حجم بعضی از تمرینات زیاد بود و یا برای پاسخگویی به بعضی از تمرینات وقت زیادی لازم بود، محتوای هر تمرین در دو جلسه یک ساعته انجام گرفت.

اهداف و تکالیف خواسته شده از دانشجو در هر جلسه مطابق جدول (۱) بود.

جدول ۱- جلسات آموزش تفکر خلاق

جلسه اول و دوم	هدف جلسات: کسب نتایج خلاق تکلیف اول: هریک از دانشجویان می‌بایست چهار عبارت مجزا را که به‌صورت جمله خبری مثبت نوشته شده است، تکمیل نمایند. توضیح بیشتر اینکه، هر یک از عبارت‌ها با حداقل دو تصویر به ظاهر نامتجانس، همراه می‌باشد و عبارات مذکور با واژه «اگر» آغاز شده و قسمت «آنگاه» آن می‌بایست تکمیل گردد و در نهایت با توجه به دوجمله قبل، جمله نتیجه‌گیری توسط دانشجو ارائه می‌گردد. تکلیف دوم: طراحی چند جمله جالب و خیالی با ساختار «اگر ... آنگاه» توسط دانشجو و تکمیل آنها توسط سایر دانشجویان.
جلسه سوم و چهارم	هدف جلسات: دستیابی به تفکر خلاق معکوس تکلیف: ارائه پنج تمرین به‌صورت مجزا و متفاوت به دانشجو، که در هر تمرین به تناسب محتوای تمرین از دانشجو خواسته می‌شود که سه روش یا سه دلیل برای پاسخگویی به تمرین‌های مذکور بیاورد. نظیر سه چیز را بنویسید که شما نمی‌توانید با دوربین خود از آنها عکس بگیرید.
جلسه پنجم و ششم	هدف جلسات: ارائه طرح‌های خلاقانه (رسیدن به سؤالاتی که اولین بار از ذهن سازنده اولیه اشیاء گذشته است) تکلیف اول: ارائه ۱۳ پرسش به دانشجو که پاسخ دادن به آنها، دسترسی به اهداف طراحان اولیه را ممکن می‌کند. نظیر: - چرا تایرها از جنس لاستیک ساخته می‌شوند؟ - چرا برای هشدار دادن یا اعلام خطر، از رنگ قرمز استفاده می‌شود؟ و... تکلیف دوم: دانشجو بنویسد که در موقع تجزیه و تحلیل طرح‌های خلاقانه طبیعی یا مصنوعی، از خود چه می‌پرسد؟ (حداقل ۲ پرسش)
جلسه هفتم و هشتم	هدف جلسات: خلاقیت با اشیاء تصادفی تکلیف: سه تمرین به‌صورت مجزا و متفاوت به هر دانشجو ارائه می‌شود که هر تمرین از چند قسمت تشکیل شده است. قسمت اول، موضوع تمرین است که مشخص می‌باشد. قسمت دوم، شیء اتفاقی است. قسمت سوم، ویژگی‌ها است. قسمت چهارم، توصیف دانشجو است که با جمله‌ای که از قبل در تمرین وجود دارد، شروع می‌شود و با ویژگی‌ها و شیء اتفاقی که در تمرین نیز وجود دارد، تخیل نموده و به توصیف موضوع تمرین، در حد یک پاراگراف می‌پردازد. به عنوان مثال: موضوع: ویژگی‌های یک بازیکن فوتبال را بنویسید. / شیء اتفاقی: یک تایر ماشین / ویژگی‌ها: پلاستیکی، ضخیم، ساییده شده، گرد، پر سروصدا، زمخت / توصیف شما: مهران یک فوتبالیست است ...
جلسه نهم و دهم	هدف جلسات: ایجاد خلاقیت دیداری تکلیف: ابتدا دانشجویان گروه‌بندی شده و سپس دو تمرین به‌صورت مجزا و متفاوت به دانشجویان داده می‌شود. هر تمرین دارای یک تصویر است و دانشجویان وقت دارند به مدت پنج دقیقه حداکثر چیزهایی را که این تصویر به یادشان می‌آورد را بنویسند. سپس برگه‌ها را عوض کنند و سایر اعضای گروه نیز می‌بایست پاسخ‌های قابل قبول را علامت بزنند. موارد مذکور باید مورد پذیرش اکثریت دانشجویان باشد.
جلسه یازدهم و دوازدهم	هدف جلسات: تفکر خلاق برای استفاده از وسایل تکلیف: چهار تمرین به‌صورت مجزا با تصاویر متفاوت به دانشجو داده شده و در هر تمرین باتوجه به تصاویر مختلف، دو مورد از دانشجو خواسته می‌شود: اول: خصوصیات و ویژگی‌های اشکال را بنویسند، و دوم: کاربردهای احتمالی و غیرمعمولی هر یک از خصوصیات نوشته شده را ذکر کنند.

۳. یافته‌ها

در این بخش، ابتدا جدول خلاصه شده میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروه آزمایش و کنترل آمده و سپس جداول تحلیل کوواریانس جهت آزمون فرضیه‌ها ترسیم شده است.

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد نمرات سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و

گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
گروه آزمایش	۹۲/۴۱	۹/۴۱	۹۳/۶۶	۹/۵۳
گروه کنترل	۸۱/۵۸	۶/۷۸	۸۵/۱۶	۵/۸۹

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که در مرحله پیش‌آزمون، میانگین و انحراف معیار گروه آزمایش به ترتیب ۹۲/۴۱ و ۹/۴۱ و برای گروه کنترل ۸۱/۵۸ و ۶/۷۸ بوده است. به عبارتی، میانگین و انحراف استاندارد گروه آزمایش از گروه کنترل در مرحله پیش‌آزمون کمتر است، و در مرحله پس‌آزمون نیز میانگین و انحراف معیار گروه آزمایش به ترتیب ۹۳/۶۶ و ۹/۵۳ و برای گروه کنترل نیز ۸۵/۱۶ و ۵/۸۹ است. افزایش میانگین و انحراف استاندارد گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون نشان‌دهنده تأثیرگذاری متغیر مستقل است.

جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	Df	میانگین	F	Sig	مجذور اتا	توان
پیش‌آزمون	150/66	1	150/6	2/56	0/12	0/109	0/33
گروه	263/28	1	263/2	4/48	0/04	0/176	0/52

نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که با توجه به ضریب F محاسبه شده، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون، تفاوت معناداری وجود دارد ($P=0/04$ ، $P<0/05$). بنابراین، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری دانشجویان تربیت کودک تأیید می‌شود.

جدول ۴- خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه سبک تصمیم‌گیری عقلایی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	Df	میانگین	F	Sig	مجذور اتا	توان
پیش‌آزمون	2/96	1	2/96	0/35	0/55	0/017	0/08
گروه	127/54	1	127/54	15/33	0/001	0/422	0/96

نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که باتوجه به ضریب F محاسبه شده، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک تصمیم‌گیری عقلایی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $P = 0/001$). بنابراین، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری عقلایی دانشجویان تربیت کودک تأیید می‌شود.

جدول ۵- خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه سبک تصمیم‌گیری آنی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	Df	میانگین	F	Sig	مجزور انا	توان
پیش‌آزمون	39/69	1	39/69	1/67	0/21	0/074	0/23
گروه	106/39	1	106/39	4/48	0/04	0/176	0/52

نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که باتوجه به ضریب F محاسبه شده، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک تصمیم‌گیری آنی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون، تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $P = 0/04$). بنابراین، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری آنی دانشجویان تربیت کودک تأیید می‌شود.

جدول ۶- خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه سبک تصمیم‌گیری شهودی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	Df	میانگین	F	Sig	مجزور انا	توان
پیش‌آزمون	13/33	1	13/33	1/21	0/28	0/055	0/18
گروه	129/98	1	129/98	11/85	0/002	0/36	0/90

نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که باتوجه به ضریب F محاسبه شده، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک تصمیم‌گیری شهودی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $P = 0/002$). بنابراین، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری شهودی دانشجویان تربیت کودک تأیید می‌شود.

جدول ۷- خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه سبک تصمیم‌گیری وابستگی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	Df	میانگین	F	Sig	مجزور انا	توان
پیش‌آزمون	2/80	1	2/80	0/15	0/70	0/022	0/06
گروه	1/028	1	1/028	0/058	0/81	0/008	0/05

نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که باتوجه به ضریب F محاسبه شده، بین میانگین‌های

تعدیل شده نمرات سبک تصمیم‌گیری وابستگی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون، تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/81$, $P>0/05$). بنابراین، فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری وابستگی دانشجویان تربیت کودک رد می‌شود.

جدول ۸- خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه سبک تصمیم‌گیری اجتنابی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	Df	میانگین	F	Sig	مجذور اتا	توان
پیش‌آزمون	10/8	1	10/89	0/89	0/35	0/041	0/14
گروه	4/25	1	4/25	0/349	0/56	0/016	0/087

نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که باتوجه به ضریب F محاسبه شده، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک تصمیم‌گیری اجتنابی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/56$, $P>0/05$). بنابراین، فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک تصمیم‌گیری اجتنابی دانشجویان تربیت کودک رد می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری دانشجویان تربیت کودک را بررسی کرد. اولین فرضیه پژوهش، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری بود که نتایج حاصل از آزمون این فرضیه تأیید گردید و با نتایج پیشینه‌های پژوهش همسو بود. باتوجه به همسویی مذکور، می‌توان چنین استدلال نمود، از آنجایی که دیدگاه اسکات و بروس در ارتباط با ماهیت درون‌فردی و شخصیتی سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری است، لذا آموزش تفکر خلاق با تأثیرگذاری بر بینش و نگرش دانشجویان به دنیای پیرامونشان، موجب تأثیرگذاری آنان در گرایش به سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری می‌شود. از طرفی تصمیم‌گیری با دیدگاه و تفکر تصمیم‌گیرنده ارتباط مستقیمی دارد (توحیدی، ۱۳۸۹).

دومین فرضیه، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک عقلایی تصمیم‌گیری بود که تأیید شد. با عنایت به همسویی نتیجه این پژوهش با سایر پژوهش‌های پیشین، اینگونه می‌توان استدلال نمود همان‌گونه که مهرگان و همکاران (۱۴۰۳) اعتقاد دارند که چهار عامل عقاید، تجربیات، تحلیل‌های ذهنی و تحلیل‌های کمی در تصمیم‌گیری دخالت دارند، دانشجویان می‌توانند از طریق آموزش تفکر خلاق، با پرورش قوای ذهنی تحلیل‌گر و با بکارگیری استعدادهای ذاتی، آینده را با اتخاذ تصمیمات عقلایی، منطقی و صحیح ترسیم نمایند.

سومین فرضیه، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک آنی تصمیم‌گیری بود که تأیید شد. باتوجه به

همسویی این تحقیق با تحقیقات پیشین، می‌توان چنین استدلال نمود که دانشجویان با انجام تمرینات مربوط به آموزش تفکر خلاق، از توان بالایی جهت اعتماد به احساسات و فراست درونی برخوردار شده‌اند و این امر در اتخاذ تصمیم‌گیری در سریع‌ترین زمان ممکن، تأثیر گذاشته است. چهارمین فرضیه، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک شهودی تصمیم‌گیری تأثیر بود که تأیید شد. باتوجه به همسویی با تحقیقات پیشین می‌توان چنین استدلال نمود که چون خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی، پدیدار شدن تلفیقی از اندیشه‌های نو به وسیله شهودگرایی از منابع ناشناخته تعریف شده است (توحیدی، ۱۳۸۹) و همچنین خلاقیت را می‌توان به صورت فراگردی آمیخته از چند مرحله متداخل و متعامل تصور کرد که مرور و مطالعه ناخودآگاه، کشف شهود، بینش و صورت‌بندی منطقی قضایا از جمله آن مراحل هستند (توحیدی، ۱۳۸۹)؛ لذا تمرینات تفکر خلاق توانسته است از طریق اجرای مراحل مذکور طی جلسات مداخله، در اتخاذ تصمیم‌گیری دانشجویان به سبک شهودی تأثیر داشته باشد.

پنجمین فرضیه، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک وابستگی تصمیم‌گیری بود که تأیید نشد. باتوجه به همسویی این تحقیق با تحقیقات پیشین، چنین می‌توان استدلال نمود که دانشجویانی که از سبک وابستگی پیروی می‌کنند، افرادی هستند که از استقلال کافی برخوردار نیستند و به جای اینکه در تصمیم‌گیری، شقوق مختلف را تحلیل و بررسی نمایند و یا براساس تجربه شخصی تصمیم بگیرند، کاملاً متکی به نظرات و راهکارهای اطرافیان خود می‌باشند. بر همین اساس، تمرینات آموزش تفکر خلاق با تقویت سبک عقلایی، شهودی و آنی، بر سبک وابستگی تأثیرگذار نبوده است.

آخرین فرضیه، تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک اجتنابی تصمیم‌گیری بود که تأیید نشد. با عنایت به همسویی این تحقیق با تحقیقات پیشین، چنین می‌توان استدلال نمود، دانشجویانی که پیرو سبک اجتنابی هستند، هرگونه واکنش و اقدام عملی را جهت حل مسائل به تعویق می‌اندازند و از هرگونه تصمیم‌گیری انفرادی اجتناب می‌کنند. به عبارت دیگر، تاحد امکان از موقعیت‌های تصمیم‌گیری دوری می‌نمایند. بنابراین، پر واضح است وقتی که آموزش تفکر خلاق منجر به گرایش دانشجویان به سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی که مکمل یکدیگرند، می‌شود؛ دیگر منجر به تأثیرگذاری بر سبک اجتنابی تصمیم‌گیری نشود، چون در سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی، دانشجوی تصمیم می‌گیرد، ولی مبنا و اساس تصمیم‌گیری متفاوت است؛ در صورتی که در سبک اجتنابی، دانشجو از تصمیم‌گیری طفره می‌رود.

ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که این پژوهش روی دانشجویان دختر در مرکزی تک‌جنسیتی انجام شده است که در تعمیم نتایج به دانشجویان پسر و دیگر دوره‌های تحصیلی

آموزش عالی می‌بایست احتیاط کرد.

براساس نتایج حاصل از این پژوهش و محدودیت موجود، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:
(۱) پیشنهاد می‌شود که با سایر روش‌ها و فنون خلاقیت نظیر بارش فکری، اسکمپر، سینکتیکس، ارتباط اجباری و... برای مداخله آموزشی و تأثیرگذاری بر سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری استفاده شود.

(۲) پیشنهاد می‌شود که نظیر این پژوهش در دانشکده‌های مختلط و دانشکده‌های ملی مهارت پسران انجام گیرد و نتایج پژوهش‌ها مقایسه و تجزیه و تحلیل شوند.

۵. قدردانی و تشکر

از همه دانشجویانی که در این پژوهش شرکت کردند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی؛ ساسان گهر، پرویز (۱۴۰۳). *سازمان و مدیریت و تئوری تا عمل*. تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری.
- بولدن، جرج (۱۳۸۵). *تفکر خلاق*. سعید علی میرزایی. تهران: سارگل.
- پرویزی، عابد (۱۳۹۶). *بررسی رابطه تیپ شخصیت و سبک تصمیم‌گیری مدیران مدارس استان آذربایجان غربی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- توحیدی، ارسطو (۱۳۸۹). *خلاقیت محور بنیادین تصمیم‌گیری راهبردی*. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱(۴)، ص ۶۴-۴۳.
- جعفری، مریم؛ رضوی، سمیرا؛ کریمی، علی (۱۳۹۹). *تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری دانش‌آموزان*. *علوم تربیتی*، ۱۰(۱)، ص ۱۱۲-۱۲۸.
- حیدری، الهام؛ مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۹۱). *بررسی و مقایسه سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در مدیران دانشگاه، مطالعه موردی: دانشگاه شیراز*. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۳(۴)، ص ۸۴-۶۷.
- رحیمی، فیروزه؛ محمدی، مونا؛ حسینی، سمیه (۱۳۹۸). *تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری دانش‌آموزان*. *روانشناسی تربیتی*، ۱۲(۳)، ص ۴۵-۶۰.
- رضازاده، سمانه (۱۳۸۹). *بررسی رابطه سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری و هوش معنوی مدیران دانشگاه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، سعید؛ حسینی، مریم؛ محمدی، علی (۱۴۰۱). *تأثیر آموزش تفکر خلاق بر سبک‌های تصمیم‌گیری دانشجویان*. *روانشناسی تربیتی*، ۱۲(۳)، ص ۴۵-۶۰.
- سادات میر، زهرا (۱۳۸۹). *مقایسه میزان به کارگیری تفکر خلاق و انتقادی در دانش‌آموزان مونث سال سوم رشته‌های ریاضی و انسانی متوسطه در منطقه ۱۴ شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ زراعتی، محسن؛ مرادی، شعبان؛ وحیدپور، بیژن (۱۳۹۲). *پرورش مهارت‌های تفکر خلاق با رویکرد حل مسئله در برنامه درسی دانشجویان*. *مدیریت نظامی*، ۵۰(۱۳)، ص ۱۷۴-۱۴۱.
- سید جوادین، سید رضا (۱۴۰۳). *مبانی سازمان و مدیریت*. تهران: نگاه دانش.
- سیف، علی‌اکبر (۱۴۰۳). *روانشناسی پرورشی نوین*. تهران: دوران.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۰). *روانشناسی عمومی*. تهران: توس.
- علی‌زاده، فریدون؛ نوری، رعنا (۱۴۰۰). *رابطه تفکر خلاق و سبک‌های تصمیم‌گیری در مدیران سازمان‌های دولتی*. *مدیریت دولتی*، ۸(۲)، ص ۷۸-۹۲.
- معیری، نرگس (۱۳۹۰). *رابطه بین سبک‌های تصمیم‌گیری و توانایی حل تعارض مدیران مدارس راهنمایی و متوسطه شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مکتبی‌فرد، لیلا (۱۳۸۸). *انواع تفکر و ارتباط آنها، با تأکید بر تفکر انتقادی*. فرهنگ، شماره ۶۹، ص ۳۷۲-۳۵۹.
- مهرگان، محمدرضا؛ دری، بهروز؛ صارمی، محمود (۱۴۰۳). *تحقیق در عملیات*. تهران: سمت، ج ۱.
- مورهد، گرگوری؛ گریفین، ریکی (۱۴۰۳). *رفتار سازمانی*. مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. تهران: مروارید.
- ناظمی، فاطمه؛ صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۴). *بررسی ارتباط سبک‌های تصمیم‌گیری و ادراک ریسک با رفتارهای کارآفرینانه در بین مدیران فرهنگی*. *ابن‌کبار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۴(۴)، ص ۱۱۷-۸۹.

- Amabile, T.M. & Pratt, M.G. (2020). The dynamic componential model of creativity and innovation in organizations. *Research in Organizational Behavior*, no. 40, p. 157-183.
- Facioni, P. (2006). *Creative Thinking Skills for education and life*.
URL= <http://www.asa3.org/ASA/education/think/creative.htm> (2013, Nov 3).
- Gino, F. & Ariely, D. (2021). The dark side of creativity: Original thinkers can be more dishonest. *Journal of Personality and Social Psychology*, 108(3), p. 442-459.
- Runco, M.A. & Acar, S. (2022). Creativity and decision-making: The role of divergent thinking. *Journal of Creative Behavior*, 56(2), p. 145-160.
- Scott, S.G. & Bruce, R.A. (1995). Decision-making style: The development and assessment of a new measure. *Educational and psychological Measurement*, 55(5), p. 818-831.
- Sternberg, R.J. & Karami, S. (2021). Teaching creative thinking to improve decision-making in complex situations. *Thinking Skills and Creativity*, no. 40, p. 100-115.
- Thunholm, P. (2004). Decision – making style: habit, style or both? *Journal of personality and Individual Differences*, no. 36, p. 931-944.
- Wadaani, M. (2015). Teaching for Creativity as Human Development toward Self -Actualization: The Essence of Authentic Learning and Optimal Growth for All Students. *Creative Education*, no. 6, p. 669-679.